

"مساله زن چشم اسفندیار جمهوری اسلامی"

دفتر کردستان حزب حکمتیست - خط رسمی

حکمتیست
هستی
۵۳

۹ مارس ۲۰۱۵ - ۱۸ اسفند ۱۳۹۳
دوشنبه ها منتشر میشود

در حاشیه یک محاکمه!

خالدحاج محمدی



روز دهم اسفند ۹۳ جمیل محمدی عضو هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران، را در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب محاکمه و به جرم "اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت کشور" به سه سال و ۶ ماه حبس و مقادیری جریمه نقدی محکوم کردند. یک روز بعد از این ماجرا جعفر عظیم زاده یکی دیگر از اعضا هیئت مدیره اتحادیه آزاد به جرایمی مشابه چون تبلیغ علیه امنیت ملی، اخلال در نظم و آسایش عمومی و... در همین دادگاه محاکمه کرده اند و به زودی حکم دادگاه در مورد او نیز ابلاغ خواهد شد. ... صفحه ۴

۸ مارس، روز جهانی زن امسال هم با تهدید و تدارک نظامی و پلیسی جمهوری اسلامی علیه هر گونه مراسم گرامیداشت این روز روبرو شد. در شهر سنندج از روزهای قبل از روز جهانی زن تعدادی از فعالین کارگری و مدنی به اطلاعات فراخوانده و مورد تهدید قرار گرفتند که حق برگزاری یا شرکت در مراسم ۸ مارس را ندارند. در ادامه این تهدیدات روز قبل از هشت مارس یکی از شهروندان را بازداشت کردند. امروز یکشنبه هم شهر سنندج توسط پلیس مخفی و علنی و لباس شخصی های رژیم قرق شد. این در شرایطی بود که فعالین حقوق زن و فعالین کارگری و مدنی از روزهای قبل در تدارک مراسم گرامیداشت روز جهانی زن بودند تا بلکه بتوانند سد و مانع پلیسی و نظامی دولت را بشکنند و در این روز ضمن گرامیداشت، مطالبات زنان را به گوش جامعه برسانند. با وجود تهدیدات نهادها و نیروهای نظامی و پلیس رژیم، در روزهای پنج شنبه و جمعه قبل از ۸ مارس، در شهرهای مهاباد، بانه و سقز مراسم هایی در بزرگداشت روز جهانی زن برگزار شد. در این مراسم ها، به یاد زنان و مردان مبارزی که در راه آزادی و رهایی جان باختند یک دقیقه سکوت شد و سخنرانانی در باره موقعیت و مطالبات زنان حرف زدند. ... صفحه ۲

کنگره شکست خوردگان

فواد عبداللهی



نتانیاهو در حول و حوش مذاکرات آمریکا با جمهوری اسلامی و در آستانه انتخابات پارلمانی در اسرائیل به کنگره آمریکا تشریف فرما شد؛ عریبه هایش را از اینکه عمو سام میرود تا ضمن رام کردن رقبای جمهوری اسلامی در منطقه، بخشی از اداره خاورمیانه را نیز عملاً بدست رژیم ایران بسپارد، سر داد. هشدار داد که سیاست "رها کردن" خاورمیانه "به حال خود" و در چنگال رقابت نیروهای محلی و منطقه ای، خطری جدی برای منافع بورژوازی و دولت اسرائیل در بر خواهد داشت.

حقیقتاً، بن بست اقدامات میلیتاریستی آمریکا در خاورمیانه، و پایان حفظ وحدت بورژوازی غرب زیر پرچم سرکردگی آمریکا در این منطقه، رویای سلطه جهان تک قطبی شرکا را دود کرد. ... صفحه ۲

سیاست خارجی ستیزی ممنوع!

در حاشیه یک اقدام ضد پناهندگی

بختیار پیرخضری

اخیراً کشور کانادا و چند کشور اروپایی تصمیم گرفته اند که پناهندگی مهاجرینی را که با کیس پناهندگی سیاسی اقامت گرفته اند و در عین حال به کشورشان رفت و آمد دارند را لغو کند. این سیاست و قانون جدیدی نیست، قبلاً هم در کشورهای اروپایی اگر اداره مهاجرت متوجه میشد که پناهنده سیاسی به کشورش سفر کرده را مورد بازخواست و تهدید به دیپورت قرار می داد.

فشار سازمانهای انسان دوست و مدافعین حق و حقوق پناهندگی بخصوص فشار احزاب چپ و کمونیست های ایرانی مانع اجرای این سیاست ضد انسانی حداقل در قبال پناهندگان ایرانی شده بود. ... صفحه ۳

راولونینا
Radio
Neena

رادیو نینا هر شب ساعت ۸:۳۰ تا ۹ شب به وقت تهران از طریق ماهواره هاتبرد پخش میشود. رادیو نینا را گوش دهید و آنرا به دوستان و آشنایان خود معرفی کنید.

www.radioneena.com

Satellite: Eutelsat
HOTBIRD 13A 13°
Frequency: 12597
POL: V
FEC: 3/4
Symbole rate:
27599
Audio PID: 2130

آزادی برابری حکومت کارگری

مجمع شکست خوردگان ...

برای هیئت حاکمه دست راستی اسرائیل که موجودیت و توسعه طلبی و قلدری نظامی تا به امروزش را مدیون امتداد سیاستهای امپریالیستی ای بوده است که حدود یک قرن است انگلیس و فرانسه و بعداً آمریکا در مقابل مدعیان جهانی و منطقه ای خود در خاورمیانه اعمال میکنند، امروز دیگر به تمامی به یاس تبدیل شده است؛ سیاست نظم نوین جهانی بوش و محور شر تراشی های پی در پی، تخریب عراق و حمایت از انواع دستجات تروریستی در لیبی و سوریه و ... همه و همه به بن بست رسید و شکست سیاسی آمریکا را بدنبال داشت.

اینکه ناگهان دولتهای غربی از جمله آلمان و بخشهایی از هیئت حاکمه انگلیس و جان کری پشت دولت اسرائیل در منطقه را خالی می کنند باید در متن این تحولات نگاهش کرد.

از طرف دیگر، شکست سیاست های آمریکا در خاورمیانه، به عروج بورژوازی عرب و حل مسله فلسطین و سهم خواهی این قطب جدید در اقتصاد و سیاست جهانی انجامیده است. قطبی با ثروت های عظیم و منابع و نیروی کار صدها میلیونی که تهدیدی جدی برای منافع بورژوازی اسرائیل است.

آنچه ناتنهاو با تقلید از ژست های هالیوودی بوش تحت نام "مبارزه با تروریسم" بر دهان می آورد، استیصالی است که دامن جریان راست افراطی در هیئت حاکمه دولت اسرائیل را در مقابل خطر کنترل منطقه

توسط بورژوازی عرب و سایر قدرتهای محلی از جمله ایران و ترکیه گرفته است. زوزه های از دست رفتن موقعیت ممتازی است که این جریان راست قوم پرست در هیئت حاکمه اسرائیل در گذشته، و در دنیای تک قطبی عموسام نصیب اش شده بود. فیگور امروز ناتنهاو چیزی جز دندان قروچه کردنهای این طرف بازنده نیست. دولتی که بدون حمایت های مادی، نظامی، سیاسی و فرهنگی غرب، امکان بقا ندارد.

در آستانه انتخابات پارلمانی در اسرائیل، ارباب جریان قوم پرست در هیئت حاکمه، تنها رو به مردم محروم فلسطین ندارد، اگرچه این مسله بار دیگر به صحنه سیاسی جامعه اسرائیل بازگشته، اما معضل تاریخی تر جامعه، معضل تقابل مردم عادی با نقش مافوق ارتجاعی راست افراطی در بافت حکومت قومی - مذهبی اسرائیل است.

دعوی واقعی مردم با خاخام ها و افراطیون مذهبی که مراکز مهم قدرت در تصرف شان است، هنوز در راه است. امروز در جامعه اسرائیل بحث حول رهایی از میراث شارون ها و ناتنهاوها ست. اعتراضات وسیع مردم در اقصی نقاط اسرائیل رنگ این رویکرد را دارند.

امروز با توجه به موقعیت انزوایی که دولت دست راستی اسرائیل در جهان و منطقه پیدا کرده است، مناسب ترین شرایط برای سکولارها و کمونیست ها و طبقه کارگر در این کشور مهیا گشته که خواهان جدایی قطعی قومیت و دین از دولت شوند.

بیش از این نباید اجازه داد که هویت قومی منشا امتیاز باشد؛ و

اطلاعیه دفتر کردستان ...

همچنین در مراسم ها قطعنامه مطالبات زنان قرائت و مورد تایید شرکت کنندگان قرار گرفت.

جمهوری اسلامی روز جهانی زن را از سر گذراند، اما مساله زن همچنان چشم اسفندیار رژیم است. جمهوری اسلامی در مقابل خواستههای آزادیخواهانه و برابری طلبانه میلیونها میلیون زن در ایران راه گریزی ندارد. میلیون ها زن و دختر جوان نه تنها حجاب اجباری که یکی از پایه های ایدئولوژی رژیم اسلامی را مدام و روزمره به چالش کشیده اند، اما به کمتر از برابری کامل زن و مرد رضایت نخواهند داد. این را همه سران رژیم از اصلاح طلب تا اصولگرا و نیروهای سرکوب گوناگونی که روزمره با مردم درگیرند، با گوشت و پوست خود احساس کرده و بشدت از این نیروی عظیم اجتماعی هراسانند.

روزی که مقنعه و چادر و روسری و همه سمبل ها و قوانین اسارت زن در کتب شرعی و نظام قضایی ضد زن جمهوری اسلامی در خیابان ها سوزانده شوند، روز قیامت جمهوری اسلامی است!

دفتر کردستان حزب حکمتیست خط رسمی
۱۷ اسفند ۹۳ (۸ مارس ۲۰۱۵)

کلید معضلات داخلی و منطقه ای آن جامعه در دست این طبقه است. و در واقع این فقط کمونیسم و طبقه کارگر در اسرائیل است که میتواند در پیشاپیش مردم طرفدار صلح و آزادی با میراث بیش از نیم قرن حکومت قومی - مذهبی یهود، که هرچه بیشتر بر دست و پای جامعه مدرن در اسرائیل سنگینی میکند، تصفیه حساب کند.

ناتنهاو نه از موضع قدرت بلکه برای مقابله با انزوایی که شرایط ویژه تقابل جناح های بورژوازی جهانی و قطب بندی های جدید امپریالیستی بوجود آورده و لذا منافع بورژوازی و دولت دست راستی اسرائیل را به مخاطره انداخته، در کنگره آمریکا سخنرانی کرد. شاخ و شانه کشیدن های امروزش کمکی به دولت اسرائیل برای حفظ شرایط دیروز خود در خاورمیانه و در قلب کشورهای عربی، نمی کند.

هر کس مستقل از تعلقات و برچسب های قومی و دینی بایستی از حقوق یکسانی برخوردار باشد.

اینها با ترور اسحاق رابین ها و با سرکوب طبقه کارگر در اسرائیل سر کار آمده اند، با به عقب راندن ظرفیت های سیاسی غیرقومی و غیرمذهبی در این کشور! ظرفیتی که توسط ارتجاع قومی ناتنهاوها به حاشیه رانده شد.

بنابراین، تنها شرط حفظ موجودیت اسرائیل در گرو به حاکمیت رسیدن یک دولت سکولار، غیرقومی و غیرمذهبی در اسرائیل و در فلسطین است.

اینها همه بخش هایی از تصویری است که جامعه اسرائیل به سمت انتخابات اش می رود.

بخش پایدارتر تصویر اما وجود و حضور طبقه کارگری است که نیروی اجتماعی خود را تاریخا با اعتصابات سراسری اش در این کشور علیه راست های افراطی به اثبات رسانده است.

زنده باد سوسیالیسم

مرکز بر جمهوری اسلامی

سیاست خارجی ستیزی ...

سیاست‌های ضد پناهندگی دولتهای بورژوازی در دوره‌های مختلف مطرح و تا جایی که زورشان رسیده آنها را اجرا کرده‌اند و این چیز عجیب و غریبی نیست، مسئله درد آور و تاسف بار تر از این اقدام، این است که گروهی از پناهندگان ایرانی در ترکیه، کمپین جمع‌آوری امضا در حمایت با این سیاست را علیه خودشان و هموعانشان به بهانه برخورد با جاسوسان جمهوری اسلامی در خارج کشور به راه انداخته‌اند.

بعد از تحولات خاورمیانه و ظهور داعش و همچنین ترورهای شارلی ابدو در فرانسه و بلژیک و چند تحرک دیگر اسلامیون در اروپا، امریکا و استرالیا، دست دولتها و البته احزاب فاشیست و راسیست را در قبال پناهندگان و خارجی‌ها بخصوص پناهندگان از کشورهای به اصطلاح "مسلمان" را برای اعمال قوانین ضد پناهندگی باز کرد. کانادا دانمارک و اتریش با کمال بی‌شرمی قدم جلو گذاشتند و علنا این قانون را می‌خواهند اعمال کنند، به همین منظور سازمانهای جاسوسی شان را با هزینه‌های میلیاردری برای تعقیب پناهندگان بیش از گذشته فعال کرده‌اند و فضای مسموم و پلیسی را به بهانه "امنیت" در این کشورها و کلا در غرب را به راه انداخته‌اند.

در طی دو هفته اخیر پلیس امریکا بدون هیچ دلیلی دو نفر سیاهپوست را به قتل رساند، اخیرا ویدئوهای‌های مختلفی از رفتار وحشیانه پلیس کشورهای اروپایی، استرالیایی و امریکایی نسبت به خارجی‌ها منتشر شده؛ حزب پکیدا در آلمان و کشورهای اسکانندیناوی پرچمپایشان را علنا برافراشتند؛ دو روز پیش اعضای پکیدا به

یکی از کمپ‌های پناهندگان در آلمان حمله بردند، در یونان اعضای حزب عقاب طلایی به دست فروشان خارجی حمله می‌کنند، رهبر حزب راسیست دانمارک اعلام می‌کند که اینجا اروپای متمدن است و شما مسلمانها برگردید کشور خودتان بمب منفجر کنید و دهها مورد دیگر را که نشان از خارجی ستیزی به بهانه مقابله با اسلام و تروریسم و "امنیت شهروندان" میتوان مثال آورد.

اگر خیلی مختصر بخواهیم به مسئله پناهندگی ایرانیان در کشورهای پناهنده پذیر پردازیم، باید قبل از هر چیز قبول کرده باشیم که انتخاب قاره و کشور برای زندگی ۹۹ درصد ایرانیان همچون اکثریت متقاضیان پناهندگی، خارج از اراده خود آنها است و اکثریت متقاضیان پناهندگی حق انتخاب مکان زندگی را ندارند.

اینکه جمهوری اسلامی با کارنامه بیش از صد هزار اعدام و تجاوز و صدها قانون غیر انسانی و عصر حجری که با سرکوب و زور به شهروندان جامعه تحمیل کرده یا سعی در تحمیل آن را دارد، اینکه زن ایرانی نصف مرد به حساب میاد و حجاب اجباری را باید رعایت کند، اینکه کودک ایرانی هیچ حق و حقوقی از جانب حکومت دریافت نمی‌کند، اینکه آموزش و تحصیل رایگان نیست، اینکه سالمندان هیچ حق و حقوقی ندارند، اینکه بیکاری در جامعه بیداد می‌کند، اینکه همجنسگرایان باید تا آخر عمرشان مخفیانه زندگی کنند، اینکه جوان ایرانی توان و هزینه ازدواج را ندارد، اینکه رابطه دختر و پسر آزاد نیست، اینکه کارگران حق تجمع و اعتراض ندارند و صدها مسائل دیگر از این قبیل که فقط یکی از اینها از جمله فقط و فقط اینکه شما زن باشید در کشوری که زن بودن قانونا منشا تبعیض علیه

شما است کافی است و حق دارید که پناهنده شوید و اقامت بگیرید. این مسائلی که بر شمردم را حتما خیلی از ماها بدان مطلع هستیم و باور داریم. همانطور که گفتم هر کدام از این دلایل به تنهایی می‌تواند کافی باشد که هر ایرانی یا شهروندان هر کشور دیگری مثل ایران اقامت شان را از کشورهای پناهنده پذیر بگیرند و در عین حال هم هر زمان که دلشان خواست در صورتی که خطری تهدیشان نکند به کشورشان سفر کنند.

بورژوازی غرب و حامیان شرقی شان صدها قانون و تبصره ضد انسانی را پیش پای انسانها برای پناهندگی گذاشته‌اند. زنی که نمی‌خواهد حجاب داشته باشد و دوست دارد که مثل آدم زندگی کند لازم نیست هیچ دروغی بگوید که پناهندگی بگیرد، هیچ انسانی نباید و لازم نیست دروغ بگوید که پناهنده بشود، همه انسانها روی کره خاکی از جمله شهروندان ایرانی حق دارند که محل زندگی شان را انتخاب کنند، اما متاسفانه دولت‌ها این حق را از شهروندان جامعه گرفته‌اند و با مانع‌هایی که با قانون‌های ضد انسانی اعمال می‌کنند انسانها را مجبور به دروغ و اینکه ما سیاسی هستیم می‌کنند. بماند که تمام دلالتی که بالا اشاره کردم می‌توانند سیاسی باشند. اگر جوان ایرانی حق داشت که در اسکانندیناوی یا امریکا یا هر کشوری که دوست داشت زندگی کند بدون شک لازم نبود که جان خودش را کف دستش بگذارد و از چندین مرز زمینی و دریایی عبور کند و یا اگر هم قانونی وارد شده باشد لازم به دروغ پردازی و تهیه کیس سیاسی نبود.

با توجه به این مسائل بسیار ساده و روشن که در بالا اشاره کردم و با توجه به این قانون ضد

انسانی که اگر پناهندگانی در صورت برگشت به ایران که خطر جانی یا زندان تهدیدشان نمی‌کند حق ندارند که رفت و آمد داشته باشند یا در صورت شناسایی پناهندگی آنها باید لغو شود باید به این قانون ضد انسانی نه گفت و باید گفت که سیاست خارجی ستیزی ممنوع! کنوانسیون جهانی پناهندگی میگوید که هرکس به خاطر مذهب، عقیده، گرایش جنسی و جنگ و هر علت سیاسی که از کشوری فرار میکند حق دارد به کشوری امن برود و آنجا زندگی کند. این کنوانسیون که زمان بعد از پایان جنگ دوم و دوران جنگ سرد نوشته شده است آن روزها استفاده خود را علیه شوروی داشت و امروز در هر قدم توسط کشورهای امضا کننده نقض میشود. سالهاست که هزارها از کسانی که طبق همان قانون از فقر و جنگی که دولت‌های غربی به کشورهای فقیر زده و کل جهان تحمیل کرده‌اند فرار میکنند و در دریاها با کودک و بزرگ قربانی و غرق میشوند. این ریاکاری دولت‌های پناهنده پذیر را باید افشا کرد و نباید اجازه داد که ترور شارلی هم وسیله حمله به پناهندگان بی حقوق شود و بیشتر آنها را مورد تعرض قرار دهد.

و اما در پایان باید اشاره کنم که ما کمونیستها معتقدیم همانطور که سرمایه و پول، مرز و بوم نمی‌شناسد و از امریکا تا چین و ایران مانعی برای عبور و مرور و گردش کردن ندارد، مانعی هم برای سود آوری ندارد. همانطور که کار مرز و بوم نمی‌شناسد و آدم محتاج کار نیروی کار زن و مرد و کودک و بزرگ از فیلیپین و سومالی تا امریکا و سوئد و انگلیس و ایران و سوریه از این سو به آن سوی جهان بدنبال تامین معاش و فروش نیروی کار در گردش اند ←

در حاشیه یک محاکمه ...

لازم به ذکر است که جمیل محمدی و جعفر عظیم زاده از هماهنگ کنندگان طومار ۴۰ هزار امضا با خواست افزایش دستمزدها و اعتراض به تعیین حداقل دستمزد ۶۰۸ هزار تومانی در بهار ۹۳ از جانب دولت جمهوری اسلامی هستند. جمیل محمدی و جعفر عظیم زاده مانند شاهرخ زمانی، بهنام ابراهیم زاده، محمد جراحی و دهها کارگر زندانی و حق طلب دیگر، بر اساس قوانین جمهوری اسلامی، مجرم اند.

جرم آنها دفاع از حرمت و شرافت انسانی خود، دفاع از حق رفاه و بهداشت و امنیت و سلامت و... هم طبقه ای های خود است. طبق اطلاعیه اتحادیه آزاد کارگران ایران، جناب قاضی در جلسه دادگاهی جعفر عظیم زاده به روشنی میگوید که طومار جمع کردن با خواست افزایش دستمزد "جرم" است. چه چیزی از این روشنتر و چه "جرمی" از این بالاتر! اعتراض و حق طلبی، دفاع از حقوق اولیه طبقه کارگر سنگین ترین جرم است!

بورژوازی ایران و دولت آن برای پشیمان کردن شهروندان از حق خواهی و آزاد اندیشی، برای تسلیم کردن طبقه کارگر و خودداری کردن این طبقه از چنین "جرایمی"، برای ترساندن هر زن برابری طلب و آزاد

اندیشی، هزینه های سنگینی میپردازد. دهها هزار نفر تنها و تنها به عنوان بازجو و قاضی و زندانبان و شکنجه گر، به عنوان جاسوس و خبرنگار برای این امر استخدام شده و میلیاردها دلار خرج سالانه کل دستگاه تحمیق و بردگی دولت بورژوازی برای تامین این امر است. هدف روشن است: شرافتمندی در آن جامعه، دفاع از حقوق انسانها و هر نوع انساندوستی و حق خواهی جرم است و باید مانع آن شود. رشد حق طلبی و حق خواهی، جسارت کردن بردگان در آن جامعه در اعتراض به بردگی و به جنایت و توحش از هر درد دیگری برای حاکمیت سرمایه خطرناکتر و پردرتر است. بی خود نیست که هر اعتراض کارگری حتی به حقوق معوقه پای پلیس و دادگاه و حراست و مراکز امنیتی آنها را به میان میکشد. بی خود نیست که اعتراض یک مرکز بزرگ کارگری از بیت رهبری تا کارفرما و اتاق بازرگانی و هزار وزیر و سخنگوی اطلاعات و مجلس و حقوق بگیران خانه کارگر و... را فوری برای پایان دادن و خاموش کردن آن به میدان میکشد. اعتراض کارگر و حق طلبی و حق خواهی این طبقه و هر نوع تلاش برای خودآگاهی آنها و تقویت اتحاد طبقاتی کارگران خط قرمزهای بسیار حساسی است که اگر مانع

آن نشوند، سنگ روی سنگ باقی نخواهد ماند. حاکمیت یک مشت بورژوا و مجلس نشینان و بیت رهبری و دم و دستگاه عریض و طویل دزدی و پول جمع کنی آنها همه و همه با استثمار طبقه کارگر قابل دوام است، و اعتراض به این استثمار از هر خط قرمزی برای نظام خطرناک تر است.

این حقایق در عین حال جایگاه طبقه کارگر ایران، توان و قدرت بالفعل این طبقه در معادلات اجتماعی و اعتراضی جامعه را نشان میدهد. این حقایق نشانه خودآگاهی بالای طبقه بورژوا به منافع خود و دشمنی عیان و خودآگاه این طبقه نسبت به خطر طبقه کارگر آگاه و متحد است. و اگر کسی بتواند ماشین سرکوب و جنایت آنها را از کار ببنداند، اگر کسی بتواند آرزوهای آنها در ساکت کردن و مطیع کردن و تن دادن طبقه کارگر به هر حقارت و فقر و محنتی را افسار زند، همانا کارگر متحد و آگاهی است که درست مثل بورژوازی ایران دشمن طبقاتی خود را میشناسد و به آن توهمی ندارد.

شل کردن زنجیرهای سنگین بورژوازی بر دست و پای ما چه در زندان و زیر دست بازجویان و شکنجه گران آنها و چه در بیرون زندان و در کل جامعه در دست خود ما است. جز خود ما و صف برابری طلبان در آن

جامعه هیچ فریاد رسی دیگر در کار نیست. هر تکانی که ما بخوریم، به هر میزان که ما متحد شویم و به هر میزان که تب و تاب عدالتخواهی و حق طلبی ما بالا بگیرد، دامنه اقتدار آنها در ذهن کل جامعه و در نزد خود صاحبان سرمایه و دولتشان شل خواهد شد. حساسیت بورژوازی و دولت حاکم به اعتراض کارگری بیش از هر چیز از نگرانی و ترس از رشد حق طلبی و ریختن توهمات و خطر رشد اتحاد کارگری، از خطر رشد سوسیالیستها و جنبش برابری طلبی کارگری ناشی میشود، چیزی که مایه هراس حاکمین است.

پایان دادن به زندان و پرونده سازیهای مراکز پلیسی و اطلاعاتی جمهوری اسلامی در گرو رشد حق طلبی کارگری و پا پیش گذاشتن بیشتر و متحدانه تر این طبقه در دفاع از رفاه و آسایش و امنیت خود و علیه بردگی و جرم جنایت طبقه حاکم است. و در این مبارزه خواست آزادی کارگران زندانی، خواست آزادی زندانیان سیاسی و آزادی بیان و عقیده، آزادی انتقاد و اعتراض و اعتصاب بخشی از مطالبات عمومی و هم اکنون این طبقه است.

حکمت هستی را بخوانید و آن را تشریح و پیش کنید.

حکمت را بدست کارگران برسانید!

www.hekmatist.com

سر دبیر: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

تماس با حزب

hekmatistparty@gmail.com

نه کمونیستی بلکه کشوری که در آن فقط نسیم سوسیالیسم وزیده بود اجرا کرد. اجرای آن در جهانی که سرمایه و کار از هر زمان دیگری در تاریخ بشریت جهانی و بدون مرز و بوم در حرکت و در گردش است بیش از پیش ممکن است.

جایی است که در آن کار یا زندگی میکند. این حداقلی است که باید تحمیل کرد. پناهنده و مهاجر و خارجی در هر کجا کار یا زندگی میکنند باید بعنوان شهروند متساوی الحقوق پذیرفته شوند. این را کوبا، کوبایی که نه سوسیالیستی بود و

و بخش عظیم آن اندک ناچیزی از محصول کار خود را دریافت میکنند، پس به همان طریق هم محل کار و زندگی انسانها با هر پیشینه سیاسی و فردی و خانوادگی بدون اثبات هیچ چیزی مرز و بوم نمی شناسد. وطن هر کس

زنده باد انقلاب کارگری!